

اقتراح...؟

اشاره:

در ادامه بحث نوآندیشی به سراغ چندتن از طلاب فاضل حوزه علمیه مشهد رفته و از آنان خواستیم، دیدگاههای خود را به صورت مکتوب در اختیارمان قرار دهند. آنچه فراروی شما است، نظرگاه سه تن از فضلاء طلبه به چهار پرسش «نگاه حوزه» است. در این نظرخواهی، حجج اسلام: سید مجید میردامادی، علی رضایی و حسن حکیم باشی شرکت جسته اند که با هم می خوانیم.

□ تَحْجَر چیست و نشانه‌های آن

کدامند؟

■ میردامادی: تَحْجَر در لغت از مصدر باب تَفَعَّل از ماده حَجْر به معنای بازداشتن، منع کردن و از حَجْر به معنای سنگ است. مصدر باب تَفَعَّل برای مطاوعه و اثرپذیری استعمال می‌شود: تَحَجَّرَ عَلِيٌّ فَلَانَ: یعنی بر فلان شخص سخت گرفت و تَحَجَّرَ: مثل سنگ شد. معنای اصطلاحی تَحْجَر با عنایت به معنای لغوی آن عبارت است از صفتی برای افراد که به موجب آن سطحی‌نگری، عدم فهم عمیق از مبانی دین و عدم حضور در عرصه‌های مختلف فکری، اجتماعی از وجوه مشخص و بارز آن است. افراد متَحَجَّر از نظر فکری، بسته و

ایستا و پای‌بند به بعضی از عقاید خرافی و به‌طور مطلق با هر نوع تحول مثبت مخالف می‌باشند. اساساً فرد متَحَجَّر، کج‌اندیش و نسبت به موضوعات مورد ابتلائی جامعه بی تفاوت و از زمان عقب‌تر بوده و عارف به زمان خود نیست. در واقع تَحْجَر را می‌توان نوعی نگرش محدود و بسته نسبت به مطلق موضوعات و مسائل در نظر گرفت که با آزاداندیشی و پویایی در تفکر و نوگرایی منطقی معقول و مورد قبول مؤانستگی ندارد. و فرد و جامعه با داشتن این نوع طرز تفکر و نگرش از رشد و تکامل باز می‌مانند. در بعد عملی و سلوک رفتاری، تَحْجَر بیشتر در افراد مقدس مآب که فهم و بینش صحیح و عمیقی از مبانی دینی و فرهنگ پویای اسلام ندارند، ظهور و

بروز می‌یابد.

■ رضایی: تَحْجَر یعنی به دور خود سنگ خیال خام چیدن و از محدوده افکار و ذهنیات خود پا فرا نگذاشتن و با زمان و زمانه قهر بودن و قهراً از شناختشان به نحو صحیح عاجز ماندن. تَحْجَر یعنی ذهنیات و افکار خویش را محور - هر آن چه هست و بوده و خواهد بود - دانستن، خویش را میزان قرار دادن و همه چیز را با فکر و سلیقه خود سنجیدن. تَحْجَر یعنی سیر آفاقی را که - مور و تأکید کتاب، سنت و عقل است - هیچ انگاشتن و در عمل به جسای عبرت آموزی و دانش‌اندوزی از کمالات و پیشرفت‌ها و به‌کارگیری



تجربه ها که فوق علمند - بدانها خندیدن، و از رؤیاستشان فقط ترویج خاطری جستن.

تحجر یعنی از موقعیت خود در هندسه زندگی جمعی بشری غافل بودن و بدین سبب خود را به غلط محور دایره هستی پنداشتن، و سپس، وظیفه شناختن و بدان عمل نکردن.

■ حکیم باشی: تحجر، یعنی: با ذهن بسته و خو گرفته با باورهایی که از حقیقت فاصله دارند ولی حقیقت نما هستند، به همه مسائل نگریستن و پدیده‌ها و اندیشه‌های نو ظهور دینی و اجتماعی و حوزوی را با مقیاسهای غیر قابل پذیرش در شرایط زمان و مکانی پیش آمده در هر عصر بررسی کردن. یعنی، موضع گیری علیه هرگونه نوگرایی و نواندیشی و دستاورد تازه به بهانه اینکه با باورهای کهن - که سهمی از اصابه واقع ندارند - همخوان نیستند.

یعنی مخالفت با هرگونه فریاد اصلاح طلبانه و هرگونه مصلحت اندیشی درباره اسلام و مسلمین به گمان آنکه مخالفت با دین است و تضاد با محکّمات شریعت دارد.

یعنی، در آمیختن ثابت‌ها و متغیرهای احکام و وظایف دینی فردی و اجتماعی و اشتباه گرفتن فرع بجای اصل و قدرت نداشتن بر تشخیص این دو مقوله از یکدیگر. یعنی، تشخیص ندادن دعوت‌های

اصلاحی اسلام‌شناسان راستین و دردمند و متخصص، از بدعتهای اسلام‌ستیزان بداندیش و باز نشناختن دوست از دشمن و دشمنی با دوست به گمان آنکه دشمن است.

یعنی، تشخیص ندادن اهم از مهم و بد از بدتر در شرایط دوران امر بین اهم و مهم و مردد بودن وظیفه میان دوشر.

یعنی، باز نشناختن لب و مغز دین از قشر و پوسته آن و اشتباه گرفتن آن با این.

□ آفات تحجر در حوزه‌های علوم دینی را بیان فرمایید!

■ میردامادی: تحجر در حوزه‌های علوم دینی آفات و زبان‌های متعددی را بدنبال داشته‌است از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱. عدم تفکر آزاد در فضای حوزه یعنی مجال و فرصتی برای تفکر آزاد و منطقی یا بوجود نمی‌آید و یا اگر بوجود آید به شکل محدود و بی‌خاصیت آن است.

۲. عدم درک صحیح نیازهای فرهنگی و فکری جامعه و امت اسلامی در حال و آینده.

۳. عدم تشخیص صحیح اولویت و امور اهم مربوط به شؤونات جامعه.

۴. عدم اصلاح وضعیت آموزشی - تحصیلی حوزه و آنچه که مربوط به ساختار و نظام تشکیلاتی حوزه می‌باشد.

۵. عدم حضور در عرصه‌های مختلف جامعه و عدم درک شرایط زمان و مکان در جوابگویی به موضوعات

نواندیشی در بستر و فضای باز و آزاد فکری بوجود می‌آید، رشد می‌کند و به حیات تکاملی خود ادامه می‌دهد. نو اندیشی با افزایش اطلاعات به عنوان ابزار و با تأمل و دقت و تحقیق در موضوع مورد فکر به عنوان اصل و علت موجد آن، محقق می‌شود. در بعضی موارد زمینه‌های فکری قبلی مانع از درک صحیح و اندیشه نو خواهد بود.

جدید و شبهات مطروحه از ناحیه نسل جوان.

■ رضایی: نشناختن وظیفه اصلی و قهرأ در آن برنامه ریزی نکردن و به تبع، هدر رفتن امکانات، نیروها و ..

عقب ماندن از کاروان پر تلاش دانش در جهان امروز.

بی پاسخ ماندن شبهات جدید به خاطر عدم پرورش نیروهای مدافع. تحلیل رفتن قوای بالفعل و بالقوه و پوسیدن از درون.

نشناختن صحیح زمان و زمانه و به تبع، موضع‌گیریهای غلط، نابجا و احیاناً سردکننده قشر آگاه و به خصوص جوانان که احساسی ترند.

■ حکیمباشی: برخی از آفات تحجر را می‌توان چنین برشمرد:



موضوعات جدید باشیم. این مطلب صحیح است، اما شرط لازم آن اتکاء و تمسک کامل به منابع اصیل دینی است، نباید با سلیقه های شخصی و ظن و گمان حکم موضوعات را بیان نمود. اسلام برای هر موضوع و موردی حکم دارد و این وظیفه فقیه جامع الشرایط است که با استفاده از منابع اصول (کتاب، سنت، اجماع و عقل) حکم موضوعات مستحدثه را استنباط و استخراج نماید این یک اصل مسلم است که حلال محمد(ص) حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم القیامة.

مسلم است که تغییر شرایط زمانی و مکانی، احکام ثابت شرعی را عوض نخواهد نمود به عنوان مثال شراب همیشه حکمش حرمت است مگر اینکه موضوع عوض شود و واقعاً شراب تغییر ماهیت بدهد در این صورت حکم به تبع موضوع عوض خواهد شد. البته در غیر از واجبات و محرّمات مسلم دینی یعنی در بعضی فروع اختلاف نظر فقهاء مشهود است و این امر مطلوبی است که فقه پویای شیعه آن را داراست. در برداشت از معانی تفسیری می بینیم همه مفسرین یک طور نمی اندیشند و در یک آیه ممکن است ده نوع تفسیر و برداشت صورت گیرد ولی در اصول مسلم دینی یعنی اصول اعتقادات که عبارتند از مبدأ و معاد و عدل و نبوت و امامت، قطعاً حقیقت یک چیز بیشتر نیست. حقیقت

به هر میزان عظمت علمی که دارا بوده اند اما احتمال خطا و اشتباه در مورد آنها غیر ممکن نیست. طلبه باید روح نقادی را در



خود زنده کند و برای هر مدعایی در هر زمینه علمی که ارائه می شود، جویای دلیل و پرهان قوی بر اثبات آن مدعی باشد. هدف اصلی طالب علم می بایست معطوف به کشف حقیقت باشد. زمینه های فکری قبلی فرد، تعصبات غیر معقول و اعمال سلیقه های شخصی و حب و بغض های غیر منطقی نسبت به صاحبان اندیشه و موضوعات فکری، شخص را از رسیدن به حقیقت و صواب محروم می سازد.

البته لازم به ذکر است که مطلق فکر نو و نوگرایی مستحسن نیست. نواندیشی و نوگرایی جهت دار برای نیل به واقع و حقیقت امر که با اصول مسلم عقلی و شرعی در تعارض و تضاد نباشد، معقول و مستحسن است. بحثی مطرح است که متناسب با شرایط زمان و مکان باید پاسخگوی نیازهای جامعه بر حسب

عقب نگه داشته شدن حوزه های علوم دینی از زمان و فرزند زمان خویش نبودن عهده داران رهبری دینی امت، در هر عصر و دوران.

پاسخگو نبودن اسلام، یا به عبارت درست تر، سخنگویان به نام اسلام، در برابر اندیشه ها و شبهه های نوپیدای دشمنان دین ستیز و نیز ناآگاهان و به انحراف رفتگانی که اندیشه و سخن باطل را حق گمان داشته اند، یا اندیشه ای آمیخته از حق و باطل برگزیده اند و آن را اندیشه ای دینی و درست پنداشته اند.

مجال نیافتن اندیشه های دینی و سازمان های عمل کننده منتسب به دین برای بالندگی و پیشرفت، و توفیق نیافتن دین برای فراگیرتر شدن در عرصه های فراتر بشری.

به بیراهه رفتن مسیر اندیشه اسلامی در اثر نادرست اندیشی حوزویان که طلایه داران آن به شمار می آیند.

□ منظور از نواندیشی، آزادفکری و نوگرایی در حوزه های علوم دینی چیست؟

■ میردامادی: منظور این است که در مسائل و موضوعات فکری و علمی تأملی نو و کاوشی عمیق صورت گیرد. در هر موضوع علمی با احترام به نظرات و اقوال و شخصیت علمی علماء از همه ابعاد مسأله را مورد بررسی مجدد قرار دهد. طالب دانش در اخذ اقوال نباید مقلد باشد. علماء و دانشمندان در بیان نظرات



و واقع با اختلاف دیدگاههای فکری و افق‌های نظری متفاوت، تغییر نمی‌کند. این مطلب مسلم است اگر عالمی با استفاده از فکر و خردش و با مراجعه به کتاب و سنت جوایب شناخت حقیقت باشد به آن خواهد رسید. نوگرایی و نواندیشی اگر برای ما معرفت بیشتر و افق‌های بیشتری در شناخت بهتر حقایق به ارمغان آورد مطلوب است و اما اگر هر فکری از هر شخصی به صورت علمی عرضه شود و در حقیقت جدل و سفسطه باشد نه برهان، ضلالت باشد نه هدایت که در واقع ناشی از عدم اطلاعات کافی و عدم درک صحیح از دین است، مطلوب نیست.

جنبه دیگر نواندیشی و نوگرایی در روش بیان مطالب است. یک روحانی باید سعی نماید معارف دینی را به بهترین وجه برای مخاطبین عرضه بدارد. اساساً روش بیان مطالب علمی اعم از کتاب و خطابه باید روشی محققانه و واقع‌بینانه باشد. ما باید هر روز در فکر بیان بهتر و تبلیغ موثرتر مطالب و معارف دینی باشیم. نقاط ضعف و قوت تبلیغ و بیان مسأله را که فعلاً در جریان است، بشناسیم و بدنیال روش‌های نوین ارائه افکار به مخاطبین در سطوح مختلف بوده و در این جهت ابداع و نوآوری را در همه عرصه‌های فرهنگی به منصفه ظهور درآوریم. باید تلاش نمود آنچه که مؤلف کتاب و بطور کلی دانشمند به

عنوان نظرات علمی مطرح می‌کنند بهتر از خود او (یعنی پی بردن به آثار و لوازم فکرش) بفهمیم و مطمئن باشیم آنچه که متعلم از فکر و اندیشه صاحب اندیشه دریافت می‌کند، همان چیزی است که او (دانشمند) در صدد بیانش و انتقالش به مخاطبین بوده است.

■ رضایی: در مواضعی که پای تعبد در کار نیست و جای بحث و جدال است، رگ حیات و تعبد را قطع کردن و تا



مطلب به بدیهی اولی ختم نشده است، توقع پذیرفتن نداشتن. یعنی بنا را بر انکار گذاشتن الا ما ثبت بالدلیل. شخصیت صاحبان سخن را از نفس سخن جدا کردن و به قاعده انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال، همیشه - جز در موارد تعبد - پایبند بودن.

موضوعات جدید را به خوبی شناختن. مگر نه این است که با تغییر موضوع، حکم نیز تغییر می‌کند و مگر نه این است که برای شناخت برخی از موضوعات جدید - مثل پول در فقه -

گاو نر می‌خواهد و مرد کهن.

تحمل عقیده مخالف را - هر چند به نظر مستنکر برسد - داشتن و به جای ناسزا - حتی ناسزای علمی، به نقد علمی دست زدن.

■ حکیم‌باشی: در تبیین و تصویر نو اندیشی در حوزه سه نکته را باید در نظر داشت.

نخست: استواری و ثبات و غیر قابل تغییر و تحول بودن حقایق دینی چه در مقوله هست‌ها که باورها و عقاید هستند و چه در قلمرو باید‌ها که احکام و فرایض هستند.

دو: نقش عالمان دینی حوزه‌ها در برابر دین و وظیفه آنان در این زمینه که شامل دو وادی تفقه یا شناخت دین و هدایت یا تبلیغ دین است. و اینکه رسالت تبیین حقایق دینی و تطبیق اصول بر فروع و تعیین چارچوبها بر عهده حوزه و حوزویان است.

سه: تأثیر زمان و زمانیات و دگرگونیها و تحولات جوامع بشری در دو مقوله یاد شده - شناخت دین و تبلیغ دین -

اینک با تحلیل و تبیین صحیح سه نکته فوق، می‌توان نو اندیشی را (شناختن و رعایت کردن مقتضیات نوپیدا که در شناخت و تبلیغ دین تأثیر دارند)، دانست.

بنابراین نواندیشی یعنی دین و تبلیغ دین را به مقتضای شرایط نو ظهور جهان



محمدی، خاتم ادیان و پاسخگویی نیازهای بشری تا روز واپسین است و طلایه‌دار تبیین حقایق دینی روحانیت



است و مرجع همه مراجعان در زمینه حوادث واقعه - اعم از احکام و غیر احکام - حوزه‌ها هستند، محدود ساختن قلمرو نواندیشی در یک وادی نادرست خواهد بود.

حوزه‌ها باید پا به پای زمان در جای جای عرصه اندیشه و عمل انسانها در هر زمینه و هر مقوله حاضر و آماده و مهیا برای تشخیص دردهای بشر و درمان آن دردها، باشند و رسالت دشوار و خطیر خویش را به انجام رسانند.

زمینه‌هایی همچون وظایف فردی، اجتماعی، اقتصاد، اخلاق، هنر، سیاست، حکومت، همزیستی بشر، فقه، حقوق و... بی‌گمان از این جمله خواهند بود.

و خوب را باید پذیرفت گرچه ممکن است صاحب فکر اشتباهاتی داشته‌باشد. پذیرفتن مطلب و فکر صحیح لزوماً به معنای قبول هر آنچه مطرح شده نیست.

نواندیشی در بستر و فضای تضارب افکار و نقد و نقادی اندیشه‌ها به اضافه آنچه که مطرح شد، به تکامل می‌رسد.

■ رضایی: در تمامی علوم اسلامی سبیرهای نواندیشی یافت می‌شود و به ویژه:

۱. در فقه و بخصوص در احکام اجتماعی و برخی احکام فردی همانند بلوغ دختران.

۲. در کلام و بخصوص در بخش عقلانیت اصول اعتقادی و به ویژه معاد.

۳. در فلسفه و به ویژه در مباحث معرفت‌شناسی، علینت و الهی بالمعنی الاخص.

۴. در حقوق و به ویژه در بخش

حقوق سیاسی و حقوق بین‌الملل. ۵. در عرفان و به ویژه در بخش

فرشی کردن عرفان و بررسی راههای تزئین محبت الهی - که در زمان همه دردهاست - در قلبها.

۶. در تاریخ و به ویژه در بررسی برخی وقایع تاریخ اسلام که عقلاً منکر جلوه می‌کند.

■ حکیم باشی: هر آنچه دستاورد اندیشه بشری در هر عصر و زمان به شمار آید، قلمرو و بستر نواندیشی خواهد بود، زیرا از آنجا که شریعت

و جوامع جهانی و با رعایت وضعیتهای امروزی و حوادث واقعه انجام دادن.

□ قلمرو و بسترهای نواندیشی

کدامند؟

■ میردامادی: نواندیشی در بستر و فضای باز و آزاد فکری بوجود می‌آید، رشد می‌کند و به حیات تکاملی خود ادامه می‌دهد.

نواندیشی با افزایش اطلاعات به عنوان ابزار و با تأمل و دقت و تحقیق در موضوع مورد فکر به عنوان اصل و علت موجد آن، محقق می‌شود. در بعضی موارد زمینه‌های فکری قبلی مانع از درک صحیح و اندیشه نو خواهد بود.

همانطور که اشاره شد، نواندیشی در بستر باز فکری بوجود می‌آید. نواندیشی در ظرفی تحقق می‌یابد که جایی برای جمود فکری، تعصبات جاهلانه و

کوتاه‌بینانه در آن نباشد. اگر در فضایی محیط فکری فرد و جامعه، روحیه خودباوری و عدم اکتفا به آنچه دیگران فهمیده‌اند و گفته‌اند، سعه صدر و تحمل آراء دیگران و کشف حقیقت حاکمیت

داشته‌باشد، نواندیشی مجال بروز و ظهور خواهد یافت. نواندیشی در سطح کلان نیاز به بستری متناسب شأن خود دارد. فضایی

که از نظر فرهنگی، اجتماعی و روانی کاملاً آماده باشد و تنها معیار صحت و عدم صحت فکری، تطابق آن با اصول عقلی و شرعی باشد. فکر و اندیشه مثبت